

سفر به سرزمین آفتاب

۱- چندی پیش به دعوت بنیاد فرهنگی ایران و ژاپن (نیک) و گروه مطالعات اسلامی دانشگاه توکیو جهت ایراد سخنرانی عازم ژاپن شدم. همچنین توفیق دیدار با استادان و دانشجویان فلسفه و عرفان را نیز در این دیار پیدا کردم. مطالب ذیل شرح مختصری است از آنچه دیدم که تامل برانگیز بود و آموختنی.

۲- در ملاقات هایی جداگانه با شیگرو کامادا استاد فلسفه صدرایی دانشگاه توکیو، ماساتا تاکه شیتا استاد عرفان ابن عربی و قونوی دانشگاه توکیو، زهرا طاهری، موریو فوجئی و آیاتو ساساکی استادان زبان فارسی دانشگاه مطالعات زبان های خارجی توکیو گفت و گو کردم. کامادا متخصص مکتب ملاصدرا و اصالت وجود اوست. در عین حال دلمشغول مباحث تطبیقی نظیر مساله خلود نفس در میان متکلمان و فلاسفه مسلمان از یک سو و نسبت آن با آموزه های بودیستی در این باب است و تالیفات چندی دارد. تاکه شیتا رئیس گروه مطالعات اسلامی دانشگاه توکیو که درباره نسبت میان عرفان صدرالدین قونوی و محی الدین عربی کار می کند، طی گفت و گویی که با یکدیگر داشتیم، تاکید می کرد رای رایج درباره نسبت میان قونوی و محی الدین عربی چندان موجه نیست و صبغه فلسفی ایده های عرفانی قونوی بیش از آن چیزی است که عموماً تصور می شود. در عین حال تاکه شیتا بیش از آنکه علاقه مند به تامل و تحقیق درباره مشابهت های دو نظام عرفان اسلامی و عرفان بودیستی باشد، می کوشد نقاط افتراق میان آنها را برجسته سازد، چراکه پرداختن به این مهم، بنابر رای او، بصیرت بخش تر است.

۳- فوجئی متخصص تصوف خراسانی و تطور ایده های عرفانی در این سنت، از بایزید بسطامی تا جلال الدین رومی است. وی که آشنایی قابل توجهی با آثار استادان عرفان ایرانی دارد و مکتوبات محمد استعلامی، تقی پورنامداریان، مرحوم عبدالحسین زرین کوب، عبدالکریم سروش و محمد شفیعی کدکنی را خوانده است، هم دلمشغول عین القضاة همدانی و تاثیرپذیری او از غزالی است و هم با مثنوی و دیوان شمس مولوی مانوس است. زهرا طاهری دانش آموخته دانشگاه برکلی نیز دلمشغول تصوف خراسانی است و در ایام اقامت در ژاپن کتاب محققانه حضور پیدا و پنهان زن در متون صوفیه را به رشته تحریر درآورده و کوشیده تعامل عرفای بزرگ خراسانی با زنان را تبیین کند. بخش هایی از کتاب که درباره رابعه عدویه و

چگونگی مواجهه ابوسعید ابو الخیر، بهاء ولد و مولوی با زنان و چگونگی حضور ایشان در محافل عرفانی است خواندنی و آموزنده است. در سمینار «گفت و گو میان عرفان اسلامی و اندیشه شرقی» که در دانشگاه توکیو برگزار شد، فوجئی با موضوع «تاملی در ارزش ادبی تصوف خراسان» سخن گفت و توضیح داد که مفهوم «زبان توحید» نزد بایزید بسطامی چگونه تطور پیدا کرده است.

آکیرو ماتسوموتو نیز سخنرانی تحت عنوان «گفت و گو میان اسلام و بودیسم» ارائه و بیان کرد که به رغم تفاوت های متافیزیکی معتنابه میان اسلام و بودیسم، شباهت های فراوانی از منظر آموزه های اخلاقی میان این دو آیین دیده می شود.

وی با اشاره به کتاب انسان کامل عزیزالدین نسفی و اوصاف هشت گانه انسان کامل نزد او توضیح داد راه های هشت گانه رسیدن به نیروانا در بودیسم، که بیشتر صبغه سلوکی- اخلاقی دارد، متناسب و متلائم با آموزه های اخلاقی- عرفانی اسلامی است. وی تاکید کرد این شباهت از ساختمان نفس انسانی نشات می گیرد. من نیز مقاله عبدالکریم سروش را تحت عنوان «آن نفسی که با خودی، آن نفسی که بی خودی»، که شرح یکی از غرر غزلیات دیوان کبیر است، در غیاب ایشان قرائت کردم چراکه متاسفانه ایشان، که یکی از میهمانان این سمینار بودند، به علت کسالت نتوانستند حضور پیدا کنند. علاوه بر آن، خود نیز در باب نظام عرفانی سهراب سپهری و دو گونه مواجهه با امر متعالی در اشعار او سخن گفتم. مطابق با تلقی اول، مواجهه سالک طریق با مبداء عالم مبتنی بر نوعی غیریت و بینونیت میان سالک و امر بی کران است؛ حال آنکه بنابر تلقی دوم، این فاصله و غیریت درنوردیده می شود و سالک دچار تجربه بیگانگی و استحاله در امر متعالی می شود. پس از برگزاری سمینار، با هیروشی مارویی استاد هندشناسی دانشگاه توکیو و هارو هیده شیبای راهب ارشد و استاد فلسفه دانشگاه تایشو ملاقات کردم. گفت و گوها بیشتر حول قرائت فلسفی و عرفانی از مفهوم امر متعالی بود و تفکیک میان نیروانا، دارما بودا، امیدا بودا و بودی ساتوا نیز از دیگر مباحث مطرح شده بود.

۴- چنان که دریافتیم عموم بودایی ها هنگام نیایش در معابد با بودی ساتوا نجوا می کنند؛ بودی ساتوایی که مسامحتاً می توان آن را مرتبه رقیقه و نازله دارما بودا دانست و متعین به تعینات عدیده. دارما بودا امر متعالی بی کران و بی شکلی است که فارغ از اصناف تعینات و اوصاف است. دارما بودا دروازه نیرواناست؛ نیروانایی که متناظر با مفاهیم لاسم و لارسم، عدم، هیچستان و بی چونی در نظام عرفانی ماست و غایت

قصوای سلوک عرفانی. در عین حال، بنابر توضیح مارویی، به سبب فضای تربیتی بودایی ها و چگونگی مواجهه ایشان با امر متعالی، درک فضای ادیان ابراهیمی و آموزه های دینی - کلامی آن برای عموم بودایی های متعارف غیرفرهیخته غریب و نامانوس می نماید. علاوه بر این، آن گونه که از گفت و گو با راهب بودایی دریافتم، امروزه کثیری از راهبان بودایی در عمل چندان پایبند به مناسک آیین بودیسم نیستند. وی این امر را کم و بیش با ظهور مسیحیت و دوران مدرنیزاسیون در ژاپن (حدوداً ۱۲۰ سال پیش) همزمان می دانست.

۵- به دعوت ایچی رو موری در جمع دانشجویان و استادان دانشگاه هوسی درباره پوپری ها و هایدگری ها در ایران سخن گفتم. در عین حال با فلسفه پژوهان ایرانی در باب ویتگنشتاین و ایده های او درباره معناداری، اخلاق و دین نیز بحث و گفت و گو کردیم. علاوه بر آن با چند تن از دانشجویان فلسفه دانشگاه تسوکو با ویاساکو بایاشی رئیس گروه فلسفه دانشگاه توکیو نیز دیدار و گفت و گویی صورت گرفت. به نظر می رسد اهالی فلسفه در ژاپن با فلسفه قاره یی و فیلسوفانی مانند نیچه، هوسرل، هایدگر و دریدا آشنایی و انس بیشتری دارند. البته فلسفه تحلیلی و آموزه های فرگه، راسل، ویتگنشتاین و کواین نیز در دپارتمان های فلسفه ژاپن تدریس می شود، اما در قیاس با فلسفه قاره یی از اقبال کمتری برخوردار است. علی الظاهر یکی از شاگردان مستقیم هایدگر که ژاپنی بوده و حدوداً ۷۰ سال پیش وجود و زمان را به ژاپنی ترجمه کرده و برای مدتی طولانی در دانشگاه های ژاپن به تدریس هایدگر مشغول بوده، در اقبال به فلسفه قاره یی نقش بسیاری داشته است.

۶- کوچه و خیابان های ژاپن مملو از معابد آیین بودا و آیین شینتو است. حضور پررنگ مردم در این مکان ها برای دعا و نیایش، خصوصاً در روزهای تعطیل، چشمگیر است. در عین حال عموم مردم به زندگی مدرن خو کرده اند و مناسبات و روابط خویش را این گونه سامان بخشیده اند. چگونگی تعامل میان سنت ستبر پس پشت و مدرنیته نزد این قوم می تواند برای ما که دوران گذار را سپری می کنیم، بصیرت بخش و عبرت آموز باشد.